



جلسه ۵۴

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه پنجاه و نهم ۲۷ آبان ماه ۱۳۱۰ - ۸ رجب ۱۳۵۰

قیمت اشتراك سالانه خارجاً ۱۲ تومان داخله ۱۰ تومان
 نك شماره: يكقران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۷ آبان ماه ۱۳۱۰: (۸ رجب ۱۳۵۰)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|---|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۵) تقدیم بکثرت لایحه از طرف آقای وزیر داخله |
| ۲) تصویب دو فقره سرخصی | ۶) خود اول لایحه تعیین تکلیف بابای مالیاتی |
| ۳) تقدیم سه فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه | ۷) تقدیم بکثرت لایحه از طرف آقای وزیر مالیه |
| ۴) خود زنی اصلاح قانون سجل احوال | ۸) موافق جلسه بد - ختم جلسه |

مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر برياض آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه سیزدهم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

- ۱- تصویب صورت مجلس | مقام منبع ریاست محترم مجلس دامت شوكة
 رئیس - آقای طهرانی . پیشنهاد میکنم خیر کبیرتون عرایض مربوط بمرخصی
 طهرانی - قبل از دستور . آقای اقبال مطرح شود .
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد) رئیس - آقای اعتبار .
 خیر (صورت مجلس تصویب شد) اعتبار - بنده اساساً فکر خودم این است که مرخصی
 ۲- تصویب دو فقره مرخصی | ها ترقیب منظمی داشته باشد و بالاخره نمایندگان که
 رئیس - آقای اعتبار پیشنهاد کرده اند قرائت میشود کار دارند هر جا که میروند در يك حدود معين و بایک

تذکره مذاکرات مشروح پنجاه و چهارمین جلسه از دوره هشتم تقابلیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۶)
 دربارهٔ تند نویسی و تحریر صورت مجلس

تذکرهٔ اساسی غائبین جلسه قبل که شدن صورت مجلس خوانده شده: غائبان با اجازه - آقایان ملک مدنی - حاج میرزا حسین خان قاضی - لیوانی - ایزدپاری - دکتر طاهری - آشتیانی - محمد علی میرزا دولتنامه - محمد متبکی - اسدوی - مصعب ملک - عدل - دکتر سنگ - روحی - آصف - میرزا ابوالحسنان بزرگ یا - وهنبا - یونس آقا و هجاب زاده - دکتر سیدی - نویسی - سید کاظم یردی - مسعود تبتی - مصدقی
 غائبین بی اجازه - آقایان: تیمورتاش - حاج میرزا حبیب الله امین - دکتر امیر اعظم - ادهم رنگه - دکتر شیخ - دهری - پورشرقی - میرزا محمد تقی بروجردی - عبدالحمید خان دنیا - آقا رضا مهرودی - اسد - ملک آروانی - افسر - محمد ناصر خان شفق - قوام - حاج لاداسین ملک

فهرست آدرسگان با اجازه - آقایان: مرتضی قلیخان بیات - دادر
 فیر آدرسگان بی اجازه - آقایان: میرزا سید مویخان قاضی - کاررونی

ترتیب منظمی بتوانند از مرخصی ها استفاده کنند و بکارهای دیگری که احتیاج دارند برسند ولی از طرفی هم دولت مواقع ضروری که نظایر برای آقای آقبال پیش آمده است ولایت همه آقایان - موقوف هستند که ایشان بکمیسیون جدید و یک گرفتاری برایشان پیدا شده و بایستی در این نوع مواقع مجلس هم مساعدت کند و شاخصه که احتیاج ضروری پیدا میکنند در خدمتشان تصویب کند باین جهت بود که بنده پیشنهاد کردم که مرخصی آقای آقبال مطرح شود و موافقت بشود تا اینکه ایشان بتوانند بگرفتاری که اخیراً برای ایشان پیش آمده است رسیدگی کنند .

(عده از نمایندگان - مسجح است)

خبر مرخصی آقای آقبال

نماینده محترم آقای آقبال بواسطه حوادث غیر مترقبه که برایشان روی داده و ناچار مجبور به سفری بخراسان برای سرپرستی از بازماندگان مرحوم اخوی خود گردیده اند تقاضای دوام مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون با در نظر گرفتن مراتب استحقاق ایشان و ملاحظات لازم در مورد تمدد فوق الذکر با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میبارد .

ولیس - آقای روحی

روحی - عرض ندارم

ولیس - موافقتی با مرخصی آقای آقبال قیام فرمائید

(انطب فرخاستند)

ولیس - تصویب شد

مرخصی داده اند قرائت میشود

خبر مرخصی آقای دکتر احتشام

نماینده محترم آقای دکتر احتشام بواسطه کسالت مزاج و رسیدگی با امورات مجلس تقاضای یکماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون با اختصاص یک عتر از مقرری این مدت بصرف مرضخانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میبارد .

ولیس - موافقتی با مرخصی آقای دکتر احتشام قیام

فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . آقای وزیر امور خارجه فرمایش دارید .

آقای وزیر امور خارجه (آقای فروغی) - سه فقره لایحه

تقدیم مجلس شورای ملی میکنند یکی از آنها راجع است بهودانه تجارت و اقامت که اخیراً بین دولتین ایران و دولت شوروی منعقد شده است آقایان کاملاً متعجب هستند که با دولت شوروی مامورانمان ندانستیم یعنی همدان تجارت و اقامت و فقط چندتی قبل یک قرارداد موقتی تجارتی داشتیم آنها هم وعدهش گذاشته بود و چندتی بود که مشغول مذاکره بودیم در باب عهدنامه تجارتی و اقامتی و موفق شدیم باختیار او و حالا امضاء شده است و در تصویب مجلس شورای تقدیم میشود یک فقره دیگر قرارداد بین الدلیلی است که در تحت نظر جامعه ملل منعقد شده است و بسیاری از دول قبول کرده اند دولت ایران هم قبول کرده است و آن این است که در موقوفه که از برای ممالک و ملل بیلیات و سوانحی پیش میاید با در نتیجه با در نظر طبیعی منساج میشوند باینکه به آن ملک معینت زده کمک بکنند دول با هم دیگر توافق میکنند که احتیامات لازمه بکنند از برای مساعدت با آن ملت دولت ایرانهم آنت قرارداد را قبول کرده است و حالا باید تصویب مجلس برسد بقرارداد دیگر هم باز بین المللی است و آن این است که هرگاه یک ملتی یک دولتی گرفتار تعرضات بیجای دولت دیگر میشود و معلوم شود که دولتی دولت دیگر میخواهد جبر و اجساد بکند احتمال یا وقوع جنگ پیش میآید یک مساعدت می بکنند بملک مظلوم که در معرض تعرض واقع شده است اساس مذهب هم این است که قبلاً معلوم باشد که یک دولتی اگر بخواید یک دولت دیگر تعدی و اجساد بکند دیگران هستند که او را تنها نمیکارند و مساعدت می باید کرد و مؤثر است در این موضوع مسئله مالی است چون غلبه اگر یک دولتی بخواهد جنگ بکند چیزی

همان است دولت تعدی را امیدوار بکند باینکه پیش ببرد این است که طرف مقابل مسائل برای دفاع خودش نداشته باشد وسیله مهم هم در این مسائل پول است پس باید پان دولت و ملت مظلوم مساعدت مالی کرد که اینطوران از عهدت دفاع بر بیاید که همین اسباب این شود که طرف مقابل هم ملاحظه کرده و دربر اقدام بکند با اقدامات متضمنه و متدبیهانه این یک قراردادی است راجع باینکه در یک چنین مواقعی دول هرکدام چه مساعدتی بکنند با آن دولتی که طرف تعرض واقع میشود این را هم دولت ایران قبول کرده است و حالا تقدیم مجلس شورای ملی میشود

۹ - شور ثانی لایحه اصلاح قانون سجل احوال

ولیس - خبر این شورین کمیسیون داخله راجع بصلاح قانون سجل احوال :

خبر کمیسیون

کمیسیون داخله لایحه شماره ۱۸۲۸۹ دولت راجع باصلاح قانون سجل احوال را برای شور دوم با حضور آقای وزیر داخله مطرح و با در نظر گرفتن پیشنهادت واسله شدن شور اول لایحه مزبور را با اصلاحاتی تصویب و اینک خبر آن را بشرح ذیل تقدیم میبارد :

ماده واحده - مواد ۷ و ۸ و ۹ قانون سجل احوال بموجب ۲۰ امرداد ۱۳۰۷ و اصلاح ۱۳۰۷ و بجای آنها مواد ذیل تصویب و در روزی از تصویب بوقوع اجرا گذاشته میشود .

ماده ۷ - پس از اتمام یکسال از تاریخ اجراء مقررات راجعه بسجل احوال در هر حوزه کشائیکه رورقه یا کتابچه هویت نداشته باشند یا تکلیفی را که بر طبق مواد ۱۱ و ۱۰ و ۶ قانون سجل احوال بموجب ۲۰ امرداد ۱۳۰۷ بوده آنها قرار گرفته انجام ندهند علاوه بر اینکه بموجب حکم قبلی محکوم به انجام تکالیف مزبور می شوند بحسب تأویبی قابل اشیاع نیز از هشت روز تا دو ماه از قرار روزی از پنج تا نهمه قران محکوم خواهند کردید در صورتی که خود آنها تا دو روز بعد از ابلاغ حکم قبلی تکالیف خود را راجع باستاند سجلی و یا ثبت واقعه انجام ندهند تا مورین تنظیم در شهر و مامورین

۱ - ماده ۸ - هرگاه اختلافی راجع باستاند سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محکمه ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیک ترین محکمه صالح بعمل می آید و تا موقتی که از طرف محکمه مزبور اسناد مذکور بموجب حکمی ایجاد نشود آن اسناد با اعتبار خود باقی خواهند بود و فقط حکم مزبور معتقد است تصحیح آن اسناد امر صادر کنند در اینصورت مأمور سجل احوال رای محکمه را در دفتر مخصوصی ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رای مزبور رورقه جدید صادر می نماید

۲ - رورقه جدید باید این نکته قید شود که بموجب حکم محکمه و برای اصلاح رورقه سابق صادر شده است حکمی که بموجب این ماده صادر میشود فقط در باره متداعیین و قائم مقام قانونی آنها معتبر است

تیسره ۱ - هرگاه اوراق سجل احوال از حیث مقررات مربوطه بنقل و طبقه مورد اعتراض اداره نظام وظرفه یا اداره سجل احوال کرده بطرفی که بموجب ماده ۹ مقرر است رفتار خواهد شد

تیسره ۲ - استثنایاتی را که ممکن است در تنظیم اوراق سجل احوال از طرف اداره مربوطه بعمل آمده باشد بعنوان با موافقت اداره سجل احوال و صاحب رورقه تصحیح نمود لیکن این تصحیح در مقابل اشخاص ذلک معتبر نخواهد بود

تیسره ۳ - اگر در دعوائی که برای تصحیح اوراق سجل احوال در محکمه اقدمه میشود اداره سجل احوال - متقاضی سبت مدعی یا مدعی الیه را نداشته باشد محکمه تکلف است در سه راه یا اداره سجل احوال ذی مدخل احاطه نماید و اداره

میزبوم باید فوراً عقیده خود را کتباً با دوسه امریه محکمه
 سازمان دهد و محکمه پس از ملاحظه عقیده اداره مزبور
 مطابق مقررات قانونی محکم قاضی را صادر نمایند.
 ماده ۹ - نسبت باوراق هوشی که از طرف اداره کل
 نظام وظیفه با اداره کل احصائیه و سرجل احوال در هر حوزه
 اعم از مرکز و ولایات از حیث مقررات مربوطه بنظام
 وظیفه مورد اعتراض واقع شود بوسیله هیئتی مرکب از
 حاکم یا نماینده او و نماینده اداره نظام وظیفه و نماینده
 احصائیه و سرجل احوال و یک نفر طبیب یا انتخاب اداره نظام
 وظیفه و یک نفر مهندس معتمد عملی که با تصویب مأمورین مزبور
 دعوت میشود رسیدگی و راپرت آن با دوسه مربوطه طهران
 ارسال می گردد
 در سرگزهی هیئتی مرکب از نمایندگان کارشناسان اداره نظام وظیفه
 و ادار احصائیه و یک نفر طبیب یا انتخاب اداره نظام وظیفه
 و یک نفر طبیب یا انتخاب صحبیه کل ملکیتی و مدعی الموم
 ابتدائی یا نماینده او برابوروت مزبور رسیدگی خواهد کرد
 و رأی هیئت فوق الذکر که با سه ثبوت قطعی خواهد بود
 بلااعتراض و مدلول آن در روی روقه هویت و در ستون ملاحظات
 دفتر مربوطه قید میشود لکن این رأی فقط از نظر ظاهر
 مقررات راجعه بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود
 اوراقی که تا تاریخ اجرای این قانون در حکام عدلیه
 نسبت بآنها رسیدگی بعمل آمده و احکام قطعی صادر گردیده
 مشمول مقررات فوق نخواهند بود

نویس - ماده واحده - طرح است. آقای مؤید احدی
پهلوان احمدی - در جلسه گذشته که این لایحه مطرح
 بود بنده عرایش خود را عرض کردم لایحه که بکسیوسون
 برکنش فقط يك اصلاحی در تبصره شده مطابق آن نظریه
 که آقای اعتبار بیان فرمودند از آن زندگی برداشته شده
 لکن در اصل قبیله تصادفی نکرده عیادت اصلاح شده
 است عیادت در لایحه دولت بود که حکم عدلیه تا تأیید قسمت
 نظام وظیفه نداشتند او را برداشته اند لکن عبارتی گذاشته اند
 که تأثیر در بین متداعیین دارد و مفهوم مخالفی این است

اداره سرجل احوال در تحت نظر وزارت داخله است و
 حاکم در مهمل که اداره سرجل احوال جزء اداره اوست
 پس اگر مردم شکایت راجع با اعتراضشان داشته باشند برود
 عدلیه لکن اگر مأمورین سرجل احوال و نظام وظیفه
 اعتراض بقره داشته باشند این نباید باین محکمه که
 خودشان تشکیل کرده اند از اعطاء خودشان این نظریه
 چیز خوبی نیست یا هر بود بیک محکمه بنده موافق
 بگویم این هم بیک محکمه اختصاصی است همینطور بیک
 دولت لازم دانست که برای هدایه بیک محکمه خصوصی
 تشکیل بکنند بام رأی دادیم بیک محکمه اش هم این تشکیل
 است بجا که نظام اینهم بیک محکمه باشد مردم شکایت دارند
 بیایند باین محکمه دولت شکایت دارد بیاید باین محکمه
 لکن تجزیه اش در بیک قسمت بیک محکمه و بیک قسمت
 بیک محکمه دیگر آفرقت خود دولت که اعتراض کنند
 میشود صلاحیت اشرا داشت که او برود بدلیه بکس
 میشود لقبیه والا همانطور که عرض کردم خود مدعی
 قضی است و خود قاضی مدعی است و این چیز خوبی نیست
 مرجعش را هم عرض کردم که برای يك موضوع دو محکمه باشد
 و هم تشکیل محکمه اش با این اشخاص میباشد بنده چیز
 خوبی نیست از این جهت بنده عالم

دلیر داخله (آقای منصور) - اشکال که آقا بنظرشان
 رسید راجع باین بود که رسیدگی باین لقبیه تجزیه شده
 است بدمر مرجع بنظر بنده و موافق روح این لایحه که
 تنظیم شده است اینطور نیست بلکه بهتر تفکیک شده بجهت
 اینکه گفتگو ها و اختلافاتی که راجع باوراق هوشی پیش
 میاید نوع است هر نوع اختلافاتی که پیش میاید جود
 میشود بجهت حاکم هر طور حکم میدهند جاری میشود چنانچه در
 لایحه هم قید شده آنچه هم که تا تاریخ اجرای این قانون
 حکم داده شده است بموجب این قانون که حالا مطرح
 است حکم قطعی صادر شده باشد او هم اجراء میشود
 اما از این بیود چنانچه در جلسه سابق هم مذاکره شد
 نظر باینکه دولت به امور مربوطه بنظام وظیفه از حیث
 سرجل احوال بیک جنبه اداری بیشتر میدهد اینها را تفکیک

کردند بیک کمیسیون اداری و اینکه آقا فرمودند کمیسیون
 اداری و البته کمیسیون اداری تحت مسؤلیت دولت
 است و دولت هم نظریه با اجرای قانون است اعضای
 کمیسیون را هم خود دولت تعیین میکند. اینکه فرمودند
 اینها همه جزو مهمان هستند اینها مدعی نیستند اینها
 مبین میشوند برای اینکه رسیدگی و تفکیک بکنند دولت
 هم البته بیدل اینها نظر دارد مطابق این موازینی
 که در قانون مبین میشود. دولت مسؤل است و بوسیله
 اینها تحقیق و رسیدگی میکند و برای مزید اطمینان هم
 بیک کمیسیون عالی را هم کالیی ندانستیم قرار گذاشتیم
 در کمیسیون عالی برای رسیدگی های اولی بشود و نتیجه
 تحقیقات بیاید به يك کمیسیون دیگری که در مرکز
 تشکیل میشود و اینجا مستقیماً در تحت نظر دولت است
 برای اینده آن قسمت از اختلافات را که جنبه اداری آن
 غلبه دارد در این کمیسیون تفکیک و رسیدگی بشود
 این قبیل کار ها که پیش میاید راجع باوراق هوشی بجای
 خودش باقی است اشکالشان هم مطاع است و جبری و
 آن قسمت هم که جنبه اداری درش فرض میشود و از
 نقطه نظر اداری بیشتر و بهتر میشود رسیدگی کرد به
 کمیسیون عالی و آنگاه میشود که تکلیفش در این قانون
 معین است و تصور میکنم که اشکال و تکراری باقی
 نمیمانند

- نویس - آقای فرش**
- فرشی -** بنده در ماده ۷ عرض دارم
- نویس -** باینرا میاید
- فرشی -** عرض بنده در ماده هفت راجع به مجازاتی
 است که نوشته اند کسانی که از تاریخ اجرای سرجل احوال
 تا یکسال و روقه هویت نداشتند باشند یا تکالیفی را که
 بر طبق مواد ۶ و ۵ و ۴ و ۳ قانون سرجل احوال صورت
 ۲ و امرداد ۱۳۰۷ بهود آنها قرار گرفته انجام ندهند
 علاوه بر اینکه بموجب حکم محکمه محکوم بانجام تکالیف
 مزبوره میشوند بجسب تأدیبی قابل ابتیاع نیز از هشت

روز تا دو ماه از قرار روزی پنج تا پنجاه فران محکوم خواهند گردید. ولی متأسفانه در اینجا برای ما مورین که در اجرائی این قانون با قانون دیگر راجع بنظام مومین و سرجل احوال سوء استعمال میکنند و به حدود مردم تجاوزات میکنند هیچ چرمی نوشته نشده و اگر هم نوشته شده در این قانون اسمی برده نشده بنده عقیده دارم در یک تیرس برای متفانین از قانون سرجل احوال مجازاتی قائل شوند تا اقلاً ما مور در جلو چشم ببینند که اگر بحدوق مردم تجاوز کرد موجب یک مجازاتی خواهد بود.

وزیر داخله - همین اواخر بطوری که ملاحظه فرمودید یک قانونی برای مجازات ما مورین متخلف از این مقررات وضع شد که خیلی هم سخت است و مجازات شدید دارد و بنا بر این مسلم است که چون آن قانون بجای خوش وضع شده است دیگر تکراری لازم نداشته شود در این قانون اگر ما مورین تخلف کنند و ثابت است در مجازات آنها بوجه همان قانون به مجازات میرسند بنا بر این نظر آقای من تا همین بنده ملاحظه شد.

ولیس - آقای من مدتی **ملک پهلوی** - بنده که در شور اول این لایحه بودم در مجلس این است که یک قدری در کلیاتش هم اجازه میبخوام نظریات خودم را عرض کرده باشم راجع به این قانون بنده خاطر دارم که دو دهم دیگر برای این ماده ۹ دولت قانون به مجلس آورد و اختیار گرفت که اوراق سرجل احوال را تجدید نظر کند در همان موقع هم که اختیار گرفت چه دهم اول و چه دهم دوم ما آادیم مدتی را معین کردیم که در مدت معینی دولت اوراق احصائیه و سرجل احوال را که متشکوک میدانند در آنها اعمال نظر بکنند و آنها را تصحیح بکنند برای اینکه مردم راحت شده باشند از این زحمت حالا مجدداً بعد از آنکه سه سال از دور آن قوانین گذشته است باز این لایحه آمده است و بطور دائم وابدی اختیار دولت می گردد که اوراق احصائیه و سرجل احوال را تجدید نظر

که نسبت بهماطور که خود حضراتی فرمودند یک کپیرون ادارتی است بیک نغری آمده گفتند سر تو این است تو معمول هستی این حرفه که صادر کردی ای متزلزل سال ۱۲۸۰ - هجری خیر ۱۲۸۴ هجری این را که ما را فرمودی برایش قائل نیستم که این بیچاره برود به عسکه و در محکمہ رسمی محکوم بشود که سندی بدهند دفتر که بگویند خیلی خوب رفتاریم در اینجا محکوم شدیم - علاوه تا کی اختیار بدیم با ما مورین احصائیه و سرجل احوال که تجدید نظر بکنند بنده بیچوجه باین موافق نیستم و عقیده ام این است که این مزاحم حال مردم است و باید دولت بطور کلی یک مدتی را که نظر بگیرد که اوراقی که در دینظر دارد تجدید نظر بکند و اوراقی که مشکوک است تصحیح بکند و بطور جدی همانطوری که وضعیت حکومت حشره این است که اهالی راجت باشند و باقرافت مشغول گرد باشند در وضع قانون باید همین منظور را در نظر گرفت والا این قانون را ما بگردانیم اختیارهم میدهم بالاخره دوره این دالم است که اگر یک وقتی فرض کنیم یک ما موروی سوء نظری پیدا کرد بایک یک و نظر خاصی پیدا کرد آن شخص را زمت میدهد و بنده هم شخصاً از اشخاصی هستم که بنظام وظیفه موافق هستم و عقیده ام این است که هرکس باید برود و به مملکت خودش خدمت کند ولی این باعث این است که مردم باید حتماً دائماً متزلزل باشند باید اختیار داد با ما مورین آیم چه ما مورین ۲ ما مورین احصائیه بالاخره همان ما مورینی هستند که همه شان در اول هستند و اشخاصی نیستند که از ما مورین دل رقیه دولت باشند و وضیافتشان بکلموری نیست که آدم نسبت با آنها اعتماد داشته باشد ممکن است فردا روی یک سوء نظری بیاید یک را برنی برای یک کسی بدهد تا این شخص بیاید خودش را از آن مرحله (بکیش مرحله عمل است و بعد مرحله مرکزی) راحت کند بیکال تکراری دارم ایشان که بنده بیچوجه باین قانون موافق نیستم اگر هم میخواست این کار را بکنید شش ماه مدت قائل بشوید

که ظرف شش ماه هرچه اوراق میبخوراید در این مملکت تجدید نظر بکنند کپیرون داخله اسماً روی این لایحه ملاحظه نکرده است بنده هم اسماً باعانه کپیرون داخله اعزاز دارم آنها مگر اهل این مملکت نیستند از اوضاع و احوال مردم اطلاع ندارند چرا مدت قائل نشدند ۱۲ یک مدتی قائل بشوید اوراق را تصحیح کنید شش ماه مدت معین کنید تمام اوراق را تصحیح کنید مردم را بکفده راحت کنید. (صحیح است)

وزیر داخله - آقا مقدوشان این بود که تکلیف مردم راجع بواقعات هورت بکفده معلوم بشود اگر وقت بقرب نامیاند خودشان تصدیق میبکنند که این امر عمل استثنای اینست که ممکن نیست بکفده تمام اوراقی که مورد نظر باشد رسیدگی کرد این اوراق بتدریج در ضمن جریان عمل بطوریکه در شور اول عرض کردم در موافق که در اجرائیات قانون محتاج الیه شده پیش می آید بگردام بر بخورند که معاینی داشته باشد اصلاح بشود بنا بر این نمیشود مدت قائل شد و مدتش کم بود یک دهم درست است آن اوراقی که تا یکی دو دسال قبل صادر شده است نظریتیکه عرض کردم ما مورین تجدید نظر نداشته اند و مردم هم تکلیف خودشان را نمیدانند در آن اوراق معاینی هست و باید آن معاین رفع شود ولی ما بیک تفتیش میبخوریم بکنیم تفتیش عمومی که در خانه های مردم میبخوریم بکنیم که تمام اوراق باید تصحیح شود. ما میبخوریم در اوراقی که در جریان قانونی پیش میآید بر میخوریم و سببه رسیدگی داشته باشیم. اگر یک مدتی معین کنیم ممکن است بسیاری از اوراق باز همینطور معلوم بماند و سببهم ندانیم که اصلاح بکنیم برای اینکه مدت خواهد گذشت و تمام این پیش پیش حالی هم که در این لایحه شده است برای داندگان همان اوراق بوده است و بالاخره تکلیف آنها میکند و بیچوجه تکراری ندارد.

ولیس - آقای طهرانی فرمایشی داشتند **طهرانی** - موافقم

ولیس - آقای مؤید احمدی
مؤید احمدی - بنده در نکته را لازم دانستم عرض کنم یکی اینکه آقای وزیر داخله فرمودند این کمسیون است حکمه نیست لکن بمقتضای بنده از محکمه بالاتر است چرا ؟ برای اینکه اگر محکمه ابتدایی يك والی داد حرف حق استیفاف دارد و استیفاف اگر والی داد حق تئیر دارد تئیر بازنقض میکند باز ارجاع میشود به محاکم و جریان قانونی لکن این يك کمسیون است که رأیش قطعی است ما الان رأی میدهند که این کمسیون رأیش قطعی است این است و ما اینکه مدیت قرار بدهاند (امیر قلمی - صبح است) و اما اینکه مدیت قرار بدهاند این اسباب زحمت است شما همه جا را طهران تصور نکنید در ولایات در دهات و قصبات هم اسباب زحمت میشود چه که ندارد ؟ هر ورقه که صادر کرده اند اعتراف میکنند میگویند آقای این ورقه غلط صادر شده اسباب زحمت برای عامه مردم فراهم میکنند لاقال این زحمت را هم ابوابی که آقای ملک مدعی گفتند مجدد شود کنید شش ماه بکسال این زحمت باشد در این بکسال هر اسلایش میخواهند بکنند هر جا که سه سخن دارند اصلاحش کنند والا بمشطور الی ایله همیشه این حق را داشته باشند ما مورین که هر ورقه را میخواهند اصلاح کنند این حد یقف ندارد این است بنده پیشنهاد کرده مدت را بکسال قرار بدهند.

ولیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیدی است قرائت میشود :
 بصره ذیل را بدهاد به پیشنهاد میکنم - در صورتیکه ثابت شود که ماووری برخلاف حقیقت روی نظر خصوصی شخصی را مورد تعقیب قرار داد آن ماوور تعقیب و برآی همیشه از خدمت دولت منتفل می شود.

ولیر داخله - بنده مخالف ندارم در اینکه هر چه میخواهند مجازات متخلفین را هم از اینکه ماوورین باشند بامردم شدید کنند ولی اینکه این جا قید بفرمایند برای همه ماووری هم در يك مجوز مودری يك نظی بکنند تا اینکه رسیدگی نکنند و آن کیفیت تخلفش مین شود نمیتواند ما میزان مجازاتش را همین کنیم اساساً اگر قید بفرمایند تعقیب و مجازات شود بنده موافق خواهم بود ولی اینکه بطور کوی مجازات اینجا مین شود چون عرض کردم ممکن است کیفیت تخلف فرق کند آفرین مجازات فرق میکند.

ولیس - میخواهید تصحیح کنید ؟
اعتبار - توجه بفرمایید بنده در ابتدا عرض کردم بعد از ثبوت - ثبوت را که عرض کردم دانسته ثبوت هم خیلی وسیع است و تصدیق بفرمایید که وقتی معلوم شد که يك ماووری روی نظر شخصی و سوء نظر بزرگ مردم شده است باید او را از خدمات دولت برای همیشه منتفل کنند بااینکه هم ماوور اداره مهمل احوال در ولایات ریخته که افضالش عجزوری تولد بکنند برای

وزارت داخله دست را باز میکنند که رسیدگی کنند (صبح است)
ولیر داخله - آقا ملاحظه بفرمایید هر چه باشد هر چه چیزی هم باشد بدون ثبوت که انوشود مجازات کرد مرض بنده این است که وقتی يك غلطی واقع شد باید رسیدگی شود پس از ثبوت آفرین به تناسب این تعقیب باید اجرا میگردد مجازات کرد شاید مستلزم افضال ابد از خدمت باشد بنابراین يك ظامی خواهد بود ماوورین همینقدر مرقوم بفرمایید پس از ثبوت به مجازات برسد این کافی خواهد بود تمام این نظریات را حاوی است چون ممکن است مستلزم افضال ابد باشد يك مجازات دیگر هم جزش باشد.

ولیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای اعتبار را قابل توجه میدانند بیام فرمایند.

(اکثر قیام بودند)
ولیس - قابل توجه شد . میروید به کمسیون سایر پیشنهادات هم تفرأ میروید کمسیون.
آقای تقدیم نظر لایحه از طرف آقای ولیر داخله
ولیر داخله - اجازه می فرمایید . لایحه ایست برای استخدام متخصص بطری سازی جهت مؤسسات صحی آبهای معدنی تقدیم میشود .

(حضور اول لایحه تعیین تعقیب بقایای مالیاتی)
ولیس - خبر کمسیون قزاقین مالیه راجع به بقایای مالیاتی مطرح است گفته شده است چون طبع و توزیع شده قرائت آنها مفصل است دیگر لازم نیست خوانده شود ملاحظه در کلیات است . آقای مؤید احمدی .

مؤید احمدی - حقیقت بنده میخواهم امروز از دولت بخواهم که آقای وزیر مالیه از تقدیم این لایحه انکسر کنم بهای اینکه اطلاعاتی بنده در وزارت مالیه دارم که در بعضی حالتها و دفتری راجع به بقایای مالیاتی در ولایات و در همه جا هست در ادارات مالیه باسم بقایا موسوم عالی تنظیم شده است در حالی که وقتی که کمالاً به گفته آنها رسیدگی کنیم می بینیم غیر بدی هم نیست

تا آن حساب تصفیه شود. همینطور آمده و درهم جمع شده یک قسم بقایای دیگر بوده که بواسطه نامی ایجاد شده بود که الحاقاً آن شرکت را علیحضرت هدایتی هموال است که آن موضوع از مبارزته و مابخریل زود فرود است و یکسبند. خبر واقع در کرمان بنده یاد دارم که باند سوار باقبل متقل و آبداری و چادر میامندند و دهات را غارت میکردند سرفاسر کرمان و سنجان-مرجان-برید تاراور که بین خراسان و کرمان واقعت همه را غارت کردند و رفتند آسان مامورین مالیه نرفتند از سالکین دهات مالیات بگیرند دیدند تمام ملک چیزی دارد ندریعت. و هیچ چیزی نمانده لغزافران است. این عده این است که این بقایای که از مردم باقی مانده است از اعتبار بقایا است که هنوز مانده. اکنون مامور مالیه هم تقصیر نداشته است برای این که او میباید که تخفیف مالیاتی باشخاص بدهد و امروز دولت از آن سرف صرف نظر میکند. و امروز واقعاً بنده خیلی خوشوقت از این قسمت. ولی بنده یک مسئله را نتوانستم بفهمم و آن این است که در ماده اول مینویسد وزارت مالیه مجاز است بقایای مالیاتی سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاک را باستانسی هواد ذیل:

(الف) مالیاتی که ابواب جمع اشخاصی بوده و مجاسبه خود را تصفیه نموده اند.

(ب) مالیات مالی که اشخاصی در مقابل آن دعوی مطالبانی داشته و تا کنون مجاسبه آنها خاتمه یافته است.

(ج) بقایایی که بموجب قرارداد های مخصوص و متقدم بین ادارات مالیه نمودن ترتیب تصفیه واستهلاك آفت داده شده است از دفاتر مالیاتی دولتی حذف و بدویین را از پزداخت معاف نمایند.

بقایای خرد مالکین که مالیات سالیانه آنها از بیست تومان تجاوز نمی نماید تا آخر ۱۳۰۴ معاف و از دفاتر مالیاتی حذف خواهد شد. - ع عرض کنم در دو قشر ج و ب را بنده درست ملتفت شدم اشخاصی بده بدولت دارند لکن در مقابل هم طلب دارند این هارا البته نباید محضب باید لغت و بمحاسبان رسیدگی کرد یک قسم هم

بمن و اگر کار نکرده در این موقع خواستم به آقای وزیر مالیه تذکر بدهم که الحاق بفرمایند و یک نفر هم حالا برای این قبیل کارها بفرمایند تا این دعوی هم از میان برداشته شود. این بود عرض بنده.

وزیر مالیه (آقای قاضی زاده) - از اینکه اکثر آقایان توجه دارند که ایراد بجهت کارهای موقوفه بده است و حسن ظنی دارند فکرم میکند. و در واقع هم همینطور است. قبل از همه باید این را عرض کنم که دولت آن مالیاتی را که ملکیان است در همان سال که طلب دارند بگرد اگر نه سال آینده یا بعد از آن بگرد. اگر هشت سال دیگر هم ماند (عمل صالحه این است) که آنها را مدیون خودش میدانند و بدون هیچ قانونی آنرا میخواند و برود و خرد حق خودش میداند و هیچ میکند ولی ما خواستیم همان طور که آقای مؤید احمدی فرموده البته متضمن رفیق و متضمن انتظام کار است که اعمال مأمورین چیزه مالیه هم سرش بیکه قانونی بسته شده باشد. دریک جایی ممکن است مأمورین مالیه مسامحه کنند مثلاً جنس را بگیرد و در یک سال دیگر بی نظارت کند و محصول را توقیف کند که از طرف پیش از آقایان شکایت شده بود (یعنی آقایان و کلکار نشانها نمیفرمودند) که برای بعضی هفتاد ساله محصول را توقیف کند. این هم ممکن است پیش بیاید ما خواستیم که از خود بقایا هم از روی یک قانونی تصفیه شود و نهایت طور سه اظهار فرمودند بواسطه نظم و امنیت و انتظاماتی که در کار شده میشود بقایا کمر پیش بیاید و دیگر پیدا نشود. و روز بروز کماشتر میشود بطوریکه حق المقدور بقایای باقی نخواهد ماند و کمتر خواهد بود. و این بقایای گذشته است که البته باید دستور بحث شود و بسیار متعلق و معاف شود فرود شد و مقدلاً درش بحث شده است. حق آقایانیکه غیر از کبیرون قوانین مالیه و علاقهمند بوده اند دعوت دهند و نظر بایشان خواسته شد و حق در مجمع عمومی

آقایان و کلاه بحث شده است. و نظر وزارت مالیه در اینجا گفته شده و بحث شده و نظریات همه در نظر گرفته شده لذا بنده اظهار داشته دارم که حق المقدور مسامحت بفرمایند که اشکار زودتر بگذرد و مصوب بفرمایند. چون پیشی ولایات در حال بلا تکلیفی است اما این که خود بقایا از کجا پیدا شده یک کلمه باید جواب عرض کنم که نمیشود گفت همه جا بقایا از این پیدا شده که آفت آمده است. یعنی جاهات که اصلاً مالک صاف صاف نداده و همانطور که فرمودند منتقدین و آنها (غالباً هم اینها هستند که آن خورده مالک خیلی با است که ندادند بدهد) و همانطور که آقای مؤید احمدی فرمودند خیلی صحیح فرمودند آن اندازه که بنده اطلاع دارم خورده مالک هیچجا هیچجا نیست و اگر هم باشد آنها حاضر ترن مردمند برای دادن مالیات یا عکس آنرا بگیرند زود و قدرت مأمورین مالیه در اینجا بیشتر بود که زودتر گفته اند و آقایان که ندادند غالباً از همان منتقدین بوده اند. مسئله آفت اینکه فلانجا آفت پیدا شده این غیر از این است آنرا در هر موقع در سال خودش هم می تواند اظهار کند که این مالک آفت زده و نمیتوان مالیات بدهم رسیدگی میشود پس از توبت میباید تصفیه بخواند. اینها خودش بکارت میفرماید و دیگری دارد حلاله که بقایا دارد و رسیدگی میشود به بقایا و معاف میشود که از بقایای مالیاتی یک فاشتر از همان نوع و همان جنس است البته وزارت مالیه بموجب مقرراتی که هست منظور میدارد و اگر آفت زده است و یک دهی خراب بوده نباید مالیاتش را بخواند. چنانچه در مواد دیگر هم ملاحظه میفرمایند. اما راجع بان حمله اول این اشخاصی که برای آقای مؤید احمدی حاصل شده شاید از کلمه ابواب همی باشد. دیده وقتی که در کبیرون و در خارج صحبت شد هائی مختلف به این کلمه ابواب جمع داده می شد. ابواب جمع باصطلاح مالیه بآن اشخاصی گفته میشد که آنها قائم مقام دولت بوده اند در جمع مالیات میکنند باین ایل یا این ولایت یا این بارگ شما کاری نداشته باشید مالیات را

من میده کار مالیاتی آن با من است. دولت از اریک فلم فلان چیز را میخواست. این اشخاصی که در اینجا گفته شده که استننا است معنیش این نیست که اینجا باید حتماً معاف باشند. آنهاهی که این نوع است او باید بیاید محاسبه اش را تصفه کند تا وقت که محاسبه اش را تصفه نکرده است دولت نمی تواند بدش را فلم بزند و بگوید معاف است. وقتی آمد و محاسبه اش را تصفه کرد و گفت یک چیزی در محل مانده. پس از نوبه حساب اگر دیدند چیزی که در محل مانده کثر از بیست تومان است این شامل همان مالیات خواهد بود و دیگر از آن نمیگیرند. ولی اگر معلوم شد در موقع تصفه محاسبه اش کسه در محل چیزی نمانده است و خودش گرفته و بدو داده است باید بدهد. آقایان باید توجه فرمایند که این استننا معنی اش این نیست که در غیر این مسئولین معاف میشود و درمستحقا عاکی آن حکم جاری شود این طور نیست. مستحق ما متوقف است. یعنی اگر کسی بده بدولت دارد باید رسدگی شود ممکن است که این بپایا در مقابل محاسبات بگذارد. حالا ما بطور می توانیم درویش را یک فلم بگذاریم یا این که مثل قسمت (ج) که قرار داده ما دولت نمقد شده و تریبش را داده اند. قانونی برای آن بگذاریم. آن مسئله اول هم مثل این است یعنی میگویند اگر اشخاص ابراب جمع داشته اند مثل (ج) جیم هم مثل آنها است یعنی کسانی که ابراب جمع داشته ولی آمده اند قرارداد داده و تصفه کرده اند که هیچ اما اگر ابراب جمع داشته ولی تصفه نکرده اند محاسبه شان را البته آرا ماسی توانیم قلمرویش بگذاریم. او باید بیاید و حسابش را تصفه کند در مواردی که مسئله بهر یک از مواد این قانون منطبق میشود البته همان حکم را خواهد داشت. اگر از خودش مالیات میخواستیم و قبل از ۱۲۹۰ است البته باید مسئولین خود را که راجع بنورده مالک است و پیش او مانده اگر کثر از بیست تومان است اصلا معاف است. آقایان توجه فرمایند. سابقاً ۳۰۲۰۲ گفته بودند

چمی از نمایندگان - مذاکرات کلی است

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - عرضی ندارم.

رئیس - آقایان که برای ورود در مواد موافقت عقیده دارند قیام فرمایند.

(اکتفا قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول فراتت میشود. ماده اول - وزارت مالیه مجاز است بقایای مالیاتی سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاک را با استننای موارد ذیل: الف) مالیات هائی که ابواب جمع اشخاص بوده و محاسب خود را تصفه ننموده اند.

ب - مالیات هائی که اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی داشته و تاکنون محاسبه آنها خانه یا بقایات است ج - بقایای که بموجب قرارداد های خصوصی منتهی بین ادارات مالیه و مؤدیان تریب تصفه و استهلاك آن داده شده است.

از دفاتر مالیاتی دولتی حذف و مدیوبین را از پرداخت معاف نمایند. بقایای خرده مالکین که مالیات سابق آنها از بیست تومان تجاوز نمی نماید تا آخر ۱۳۰۴ معاف از دفاتر مالیاتی حذف خواهد شد.

استثنای فوق شامل بقایای مالیاتی قبل از ۱۲۹۰ شمسی که بطور کلی ویلا استننا معاف میشود نخواهد بود.

رئیس - آقای فقیهی

فقیهی - اولاً این را خواستم عرض کنم این که مکرر گفته میشود که این قانون برای ارفاق و تخفیف است که بمردمان میشود باید عرض کنم که این خیلی هم ارفاق

نست (یعنی از نمایندگان - چرا) ملاحظه فرمایند مالیه ده سال پیش دوازده سال پیش پانزده سال پیش یک موفی بوده است که مردم بیچاره مخصوصاً رعایا و طبقه پایت چهار صدسات و غارتها و اشکالات زیادی بوده اند هرچه داشته اند برده اند حالا اگر دولت امروز رفتنی پیدا کرده که آنها را از این خطر معون میدارد اگر میگوید مالیات آن سالها را از آنها نمیکیریم یعنی اینکه اجحافات جدیدی به آنها نمیکینم! پس این ارفاق زیادی نیست ولی از این انظار هم تشکر میکنم که دفع اجحاف و تعدی جدیدی از آنها میشود. حالا که میخواهند با آنها همراهی کنند باید خبیل هم از دولت و وزارت مالیه تشکر بکنیم. اما باید طوری بشود که از این راه یک موضوع اجحاف جدیدی پیش نیاید. بنده مقدمه این را هم عرض میکنم که یک قدری از طرز تحریر این مواد هم خوش نمیشد. برای اینکه آقای وزیر مالیه خودشان معلم ادبیات هستند و میدانند که عبارات را باید طوری نوشت که مردم بتره فهمند.

دستی - خبر نوشته وزیر مالیه که نوشته اند فقیهی - در این جا اول مبتدا را ذکر کرده بعد بند مستثنیات را بعد خبر را. در صورتیکه اگر مبتدا و خبر را اول می نوشتند بعد مستثنیات را شاید بهتر بود. اما در این ماده بخصوص ایراد بنده همان چیزی است که آقای مؤید احمدی این جا بیان فرمودند و آقای وزیر مالیه هم جواب ایشان را نداند. یک جایی ابواب جمع اشخاصی شده است. اشخاص. رئیس ایل باحاکم تنها نمی توانند صاحب جمع باشند ممکن است. یک صاحب جمع پایک نفر تصفیلدار مالیات فلان فریه وده را ابواب جمع کرده باشند او هم مقداری وصول کرده و مقدارش باقی است مطابق قسمت الف باید تمام ابواب جمعش را پرداخت کنند در صورتیکه یک مقداری از آنها هنوز در محل باقی است و از بیست تومان هم کتر است اگر ابواب جمع بگیرد مطابق قسمت آخر ماده آن اشخاص همانند ولی مطابق قسمت

الف خود آن شخص باید بدهد و در این بابک اجحاف زیادوری نسبت به آن صاحب جمع میشود که آن مالیات هم همان لایلی که خبیل از مالیات ها در آن سنوات مانده است تاکنون توانسته است بگیرد و بدهد مگر این که بگوئیم در قسمت الف مالیاتهای ابواب جمع اشخاص آن چه را که از محل وصول کرده اند باید بدهند و معلوم شده آنچه را که وصول کرده اند و حساب دولت را تصفه نکرده اند آری باید بدهند ولی آن چیزی را که در محل بواسطه همان مواسی که تاکنون بوده است وصول نکرده اند و اگر بیست تومان هم کتر باشد امروز گرفتن آن برخلاف اصناف و عدالت است زیرا بموجب قسمت آخر ماده دیگر آنها نمیتوانند از محل وصول کنند اگر آقای وزیر مالیه موافقت فرمایند و بنده هم پیشنهادی کرده ام که نسبت باهایی که ابواب جمع دارند با اندازه که از محل معلوم شود وصول کرده اند از آنها مطالبه دود و آنچه را که وصول نکرده اند مطابق قاعده اگر از بیست تومان کتر است آنها باید از آنها مطالبه شود اگر از بیست تومان زیاد تر است مطالبه شود و البته آنچه که گرفته اند قبض مالیاتی داده اند هر چه قبض از آنها گرفته اند همین است آنچه را که قبض نمانده اند و نکرده اند وصول هم نکرده اند از آنها زیاد گرفتن موافق عدالت نخواهد بود.

ولیرمالیه - بنده نمیخواستم و نمیخواهم ادعا کنم و صحبت از ارفاق بکنم آقایان بعضی خودشان فرمودند که در این لایحه ارفاق شده است لایحه آوردیم که حق دولتا از مردم بگیریم و ارفاقی هم که متضمن است البته خیلی خوب است و باید هم انسان بیت ارفاقی داشته باشد ولی لایحه را برای ارفاق نیاوردیم لایحه را برای این آوردیم که حلفمان را بگیریم و یک قسمتی از حقدان را صرف نظر کنیم آنچه که قدیمی شده هیچ و بانی دیگر حقدان را بگیریم منتهی روی یک قواعدی بگیریم که مردم اجحاف بشود و حتی الامکان متضمن ارفاق باشد ولی خود لایحه

برای ارفاق نسبت اما آن چیزی را که میفرمایند آقای فهبمی از هر موقعی که ناظر داشته باشیم تجاوز میکند بنده این ترتیب را نمیتوانم قبول کنم این ابوابی هم نیست این شخص تصدیقار مالیه نبوده است بنده سر بیجا عرض میکنم چون بعضی اوقات سؤال میشد و توضیح میخواستند و اشکال پیش می آوردند که این فلان تصدیقار است که از مردم مالیات گرفته یا نه این جا صحبت تصدیقار نیست ابوابی هم صحبت اشخاصی است که مالیات را از دولت اجازه کرده بودند خلاصه اش این بود است زمان قدیم معمول این بود است حالا این در محل بوده است گرفته است از مردم این را خیلی خوب ما قبول داریم اگر آنهایی را هم که زبانی گرفته از مردم بحساب دولت بنویسد بنده قبول دارم آنچه که گرفته دولت بگیرد آنچه را هم که زبانی گرفته بدهد فلان محلی که جزء جمعش در دفتر دولت ده هزار تومان بوده است آن صاحب ابوابی هم ما میدانیم پنجاه هزار تومان از آنجا گرفته مسلم و بطور قطع میدانیم که این طور گرفته است خود آنها هم یک جزء جمعی درست کرده اند و برای نوکرهایش یک بجزه جمعی درست کرده است و ده سال بیست سال هم به منظور بجزه است مثلا فرض یک پنج فران هم در محل مانده این مقدار باقی مانده باید معلوم شود آقایان همه میدانند که خالصجات طهران قبل از شروایت ده سال اجاره بود حالا اگر مرور زمان را قائل بودیم و میخواستیم حساب بکنیم حالا آن شخص میبکشد که این خالصجات را که من سالی ده هزار تومان اجاره کرده بودم دوستان هزار تومان گرفته ام حالا باینکه به بنیاد که چه چیز مانده است چه چیز مانده است این ترتیب را ما نمی توانیم قبول کنیم بنده عرض کردم که اگر در محل مانده است محاسبه اش را می بینیم و تصدیق میکنیم و این برای این است که دقت شود که آنچه که در محل مانده است معلوم شود و آن قسمتی را که میگوید از اقتدارش خارج شده معلوم شود فلان جا را غارت کرده اند این معین شود و به محاسبش رسیدگی کنند ولی از حالا بیایم تکلیف

پیشنهاد آقای مؤید احمدی و آقای امیر تیمور - پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده بطریق ذیل اصلاح شود.

بقایای مالیاتی هرسال املاک خنثی و شکسته که کسر و شکست مالک مورد تصدیق وزارت مالیه باشد از روی عایدات همان سال مطابق مأخذ معینه درقوانت مالیات املاک اربابی و دواب مأخوذ و بقایای جنسی این قبیل املاک بشرح روز پرداخت مسرماً دریافت خواهد شد.

رئیس - ماده دوم قرائت میشود.

ماده ۲ - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

رئیس - مؤیدان مخبرند بقایای ارسال ۱۳۰۲ باین طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصحیح نمایند.

شریعت زاده - بنده تصور میکنم بواسطه حسن عقیده که آقای وزیر مالیه دارم میتوانم از ذکر جهت اشتباهی که ایشان دادند خود داری تنم و الا فنیکت اعمال دولت از اعمال صدی و اعمال حاکیست و بالاخره حد اعمال حاکیست در امور از طرف دولت هیچوقت دلیل بر این نمیشود که آن عمل قابل اعتراض نباشد اصلاً در مالک دیگر برای قضات این که اعمال حاکیست در حدود قانون اعمال شده است بانه ترتیبات و بالاخره عاگم اداری تأسیس شده است تصدیق میکنم که گرفتن مالیات جزء اعمال حاکیست است اما مقننین همیشه برای اینکه قوانینیکه اعمال حاکیست میکند حسن استعمال شود ، بما حق تعیین میکنند و این مواد از اوادی است که باید برای کنترل در اعمال حاکیست دولت تدوین شود برای اینکه همین قانون میگوید املاک غزویه معاف است از مالیات. خرابه است بایست و باید معاف بشود بانه باید تشخیص داده شود که اگر معلوم باشد که املاک در آن سنه خراب بوده است بک تشخیص بدهند و با اینکه مأمورین که مأمور قوه جاگه هستند گفتند دلیل کافی برای باید برای آن معین کرد و در صورتیکه دلیل قلمبه تنظیم دارد بنده تصور میکنم که عرض بنده بیبورد بوده است و چون بنده در مسائل در اطراف عقیده خود یافتاری ندارم جسد نظوری که فرمودند ممکن است اشتباه کرده باشم خوب است رفع اشتباه بفرمایند که چطور اعمال حاکیست دولت نمیتواند کنترل شود و بالاخره حدی بدانشته باشد؟

ولیس - آقای عراقی.

عراقی - بنده تصور میکنم در این ماده که آقای وزیر مالیه فرمودند که حق حاکیست دولت. گرفتن مالیات البته حق حاکیست دولت است ولی اگر اختلافی بین مؤدی و تحصیلدار مالیه واقع شود این اختلاف مربوط به شکست حق حاکیست نیست اگر مایک مرجعی برای آن قائل شودیم. حق حاکیست عیارت از اخذ مالیات است وای در اختلاف بین مؤدی مالیاتی و کسیر بنده

حاکمیت دولت است دولت خودش معین میکند که فلان کار باید بشود و قانونش هم از مجلس میگردد آنچه که واقع به حق حاکیست دولت است این مرجعش خود وزارت مالیه است این طور نباید باشد و اگر منظور آقایان این است که بک معنی که خارج از مالیه و دولت باشد رجوع کنند بیرون در بک جمله که از علماء و معتمدین محلی و نجار معین میشود این غیر ممکن است و عرض میکنم محفل است اما این که وزارت مالیه یا تحصیلدار گفت که خراب نیست و مؤدی گفت خرابه است این البته مرجع دارد این مرجع را لازم نیست که در قانون معین کنیم میرون نزد پیشکار مالیه در وزارت مالیه و بالاخره وزیر مالیه و کسیون میکنند و البته آن ترتیبات و تکلیفات و فراموشی که هست برای رسیدگی رسیدگی میکنند البته تا امروز که این قانون نبود اگر کسی می آمد و میگفت مالیات من اینقدر نیست مگر مرجع بنیاد است ؟ مرجع داشت اما این وزارت مالیه و طرف وقتی که اختلاف کردند پیش شخص قائل بیرون این را نمیشود قبول کرد یعنی خارج از اصول است ولی البته بایستی مرجع داشته باشد مرجع هم دارد این کسی بایست بگوید که از من زیاد مالیات میخواهند آیا این که ملک من خرابست مگر به حرف او قریب اثر نمیدهد ؛ البته رسیدگی میشود و تا حال هم عمل شده است این است این است نقد بنده اگر منظور این است که اگر کسی آمد در محل و گفت که ملک من غزویه است و تحصیلدار و مامورین مالیه اختلاف کردند جسد نظور است و باید بشود که بوزارت مالیه باید مراجعه شود اما اگر نظر این است که بیک شخص ثلثی و بیک مرجع دیگری رجوع شود آن را بنده مخالف و بر خلاف اصول است

ولیس - ماده پنجم قرائت میشود.

ماده ۵ - بقایای مالیاتی در هرسته معادل بک برابر مالیات جاری همعادل از قرار اقساط مقررده در قانون ششم میزیری وصول میشود و از حیث جرائم تاخیر تابع مقررات قانون مزبور خواهد بود.

ولیس - آقای چندی - عرض میکنم این بنیادانی در ضمن عمل چه خواهد شد زیرا که فرض کنیم بک ملکی که خالصه انتقالی است و در نتیجه میزری صدی بنده مالیات قانونی است و تشخیص داده شده است و از این سر هم میکوییم بقایای مالیات همچو مالکی صدی پنجاه خواهد بود و اگر کسی همچو مالکی داشت و باید از این راه اعانه بکند صدی پنجاه را که باید مالیات بدهد صدی پنجاه هم که از مات بقایای مالیات - شوالی سابق بدهد آتوق برای او چه خواهد ماند و از چه راه باید اعانه کند و بین جهت بنده عقیده ام اینست که این زیاد است و این را خوب است تقییل بدهیم و بگویم قسمتی عیادت را با بیت بقایای شتوات سابق بدهد والا کسی که همچو مالکی دارد از چه راه باید اعانه بکند و چه جور این ملک را اداره بکند.

ولیر مالیه - بنده باید عرض کنم که خیل خوب ملتفت بندهم اشکال را این اشخاصی که خالصه انتقالی دارند مثال را باز خرید کرده اند و دیگر مثال نمیدهند و همان صدی سه و نیم را میدهند و غیر از صدی سه نیم

هم که بقایای از سابق داشته باشد باید بدهد اگر بخیرید
باشد البته باید بدهد و خیر نادر است بنده میدانم
احدالیه را درست عرض کنم ولی خیر کم شده است
حالا اگر بخیرید باشد البته باید هم مثال را بدهد و هم
بابت بقایای مالیاتی سابق مثل شخصی که در ماده دیگری
میین شده است که دو برابر مالیات خودشان میدهند
او هم باید دو برابر مالیات خودش را بدهد
رئیس - ماده هفتم قرائت میشود.

ماده ۷ - بقایای مالیاتی (اعم از اربانی و خسانه
انتقالی) املاکی که بعد از تصویب اینقانون نقل و انتقال
میشود از عایدات مالکانه دریافت خواهد شد ولی بقایای
املاکی که قبل از این قانون نقل و انتقال شده باشد
بر عهده مالکی خواهد بود که در موقع خود مالیات را
تپرداخته است

(تغییری بود)

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود:
ماده ۸ - بقایای ستوانی افراد ایل تا آخر ۱۳۰۶
به تخفیف منظور خواهد شد.

نسبت به بقایای از سنه ۱۳۰۲ به بعد ایلات و هم
چنین نسبت به بدهی صاحبجهمان ایلات و املاک اعم از
بقایای قبل یا بعد از ۱۳۰۲ وزارت مالیه مجاز است
با ملاحظه وضعیت افراد ایل و صاحبجهمان رعایت مقتضی
را از حیث اعطاء تخفیف و امهال بعمل آوردد محاسبه
ستوانی را تصفیه نماید
رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار در ماده هشت
رسیده است.

پیشنهاد آقای اعتبار

تصدیر ذیل را بنامه ۸ پیشنهاد میکنم
تیسرو - از هر نارنجی که ایلات یا افراد آن تخت قاپو
شده و بشود از زمان تاریخ از پرداخت مالیات و بقایای
ایل مهلت و مطالبه نخواهد شد و تابع مقررات عمومی
مالیات زمروری خواهند بود

رئیس - ماده نهم قرائت میشود:
ماده ۹ - وزارت مالیه مجاز است بقایای ستوانی
اشخاصی را که در مقابل بدهی خود دعوی مطالبی از
دولت دارند پس از رسیدگی و تصدیق صحت آن مواضع
مطالبات آنها از بدهی که دارند کسر و بقیه را بپردازند
مواد این قانون وصول و محاسبه آنها را تصفیه نماید
رئیس - آقای رهنما.
رهنما - عرضی ندارم.
رئیس - ماده دهم قرائت میشود:

ماده ۱۰ - چنانچه در نتیجه اجرای این قانون
مالیات جزء جمعی و مثال خالصگی در باره موارد ازمان
بدهی یعنی از ستوانت مربوطه تزلزل نماید ویرداختن مؤلفین
ستوانت مذکوره بیش از این مأخذ بوده ولی از مالیات و مثال
جزء جمعی سابق تجاوز ننماید محاسبه این سنه خاتمه یافته
عسور خواهد شد.

رئیس - ماده یازده قرائت می شود. آقای فهیمی در
کدام ماده فرمایشی دارید.
فهمیمی - در این ماده.

ماده ۱۱ - کلیه بدهی زارعین و رعایای خلیجان
دولتی که در دهات خلاصه ساکن بوده و مشغول زراعت
هستند از بابت بقتر و مساعدت و مال الاجاره ها نقداً و چنان
تا آخر ۱۳۰۴ معاف و از سال ۱۳۰۵ به بعد وزارت
مالیه مجاز است با ملاحظه وضعیت و استطاعت آنها و رعایت
مقتضی را منظور و محاسبه ستوانی را بطوریکه صلاح بداند
تصفیه کند بقایای جنسی زارعین مطابق ماده سوم این
قانون مسراً مأخوذ خواهد شد.

رئیس - آقای فهیمی

فهمیمی - بنده در ماده دوم عرضی داشتم و خواستم
از اعضای کمیسیون سؤال کنم که معنی این ماده چه چیز
است (عراقی - حالا که گذشت در شور دوم فرمایید
اصلاح میکنند) و بنده از هر یک از آقایان که پرسیدم
توانستند بگویند که چه چیز است ترجمه این ماده در
رئیس - این منظور شما مربوط بنامه دوم است بسیار خوب
حالا که نظر خودتان را فرمودید اصلاح میکنند

آزرولی (عزیر کمیسیون قوانین مالیه) - پیشنهادی
اگر دارید که فارسی باشد بفرمایید (خنده نمایندگان)
رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی قرائت میشود:
مقام منبع ریاست معظم مجلس شورای ملی دامت عظمیه
بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ جمله (از بابت بقتر
و مساعدت و مال الاجاره) حذف شود

رئیس - آقایانیکه باورده در شور دوم این لایحه واقتد
تیم فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

(۷- تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه)

رئیس - آقای وزیر مالیه فرمایشی دارید؟
وزیر مالیه - يك لایحه دارم به مجلس تقدیم میکنم
موضوعش مطلب مهمی نیست یعنی مثل آن لوابیح است
که فریب عمل را بشکل قانونی می آورد برای فریب عمل
راجع به مخارج انبار است مخارج انبار را تا حالا از خود
باصلاح از خود عمل میدادند و ما حالا خیال کردیم که
این فریب کاملاً مطابق فریب قانون محاسبات عمومی و

تدرک عایدات و این ترتیب است این پیشنهاد شده است
که آنچه که از آنجا برداشت میشد برود وزارت مالیه و
بودجه اش جزء وزارت مالیه باشد (یعنی از نمایندگان
صیاح است)

(۸- موقر و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - اگر موافقت فرمایید جلسه را ختم کنیم
(صیاح است) جلسه آینده پنجشنبه چهارم آذرماه ساعت
قبل از ظهر دستور لوابیح موجوده ولی قبل از ظهر فردن
آقایان مذکور میشود که - یون قوانین مالیه که مرجع این
لایحه است و باید در شور دوم در آنجا انجام پذیرد و همچنین
لایحه انحصار تریک و دخانیات و بسیاری از لوابیح دیگر
که بان کمیسیون مربوط است مترصدیم که در این هفته
کارشان را تمام کنند که بتوانیم در جلسه آتی مطرح کنیم
(مجلس ساعت هفت از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دانشگر